حادثه‌ها

عامل قتل عام خانوادگی در انتظار محاکمه

● **مهر:** مردی که سه عضو خانواده‌اش را با ضربه‌های کارد از پا درآورده بود به‌زودی در دادگاه کیفری پای میز محاکمه قرار می‌گیرد. ماموران پلیس مشهد، صبح روز سه‌شنبه پنجم اردیبهشت امسال در جریان قتل سه عضو خانواده‌ای در بلوار وکیل‌آباد این شهر قرار گرفتند. تیم جنایی دقایقی بعد همراه اسماعیل شاکر بازپرس ویژه قتل در محل جنایت حاضر شدند و در نخستین بررسی‌ها دریافتند قربانیان جنایت زن و مرد صاحبخانه و پسر ۲۵ساله‌شان هستند که با ضربه‌های کارد از پا درآمده‌اند. یکی از پسران این خانواده صبح زمانی که برای سرکشی به پدر و مادرش به آنجا آمده با جسد غرق در خون سه عضو خانواده‌اش روبه‌رو شده و موضوع را به پلیس و اورژانس اطلاع داده بود. تیم امدادی پس از حضور در محل دریافتند مرد صاحبخانه و پسرش هنوز زنده هستند که بلافاصله آنها را به بیمارستان رساندند این تلاش پزشکان برای نجات جان آنها موثر واقع نشد و بر اثر شدت جراحات جان باختند. در ادامه، تحقیقات برای افشای راز این جنایت آغاز شد و بازپرس جنایی در نخستین گام به بازجویی از پسر بزرگ خانواده که موضوع را به پلیس اطلاع داده بود، پرداخت. مرد جوان گفت: من و همسرم کارمند هستیم. هرروز صبح فرزندمان را پیش مادرم می‌گذاشتیم و به محل کار خود می‌رفتیم. امروز صبح وقتی به اینجا آمدم و در زدم کسی در را باز نکرد. نگران شدم. برای بررسی موضوع به روی دیوار رفتم که با پیکر غرق در خون پدرم روبه‌رو شدم. سریع وارد و متوجه شدم مادر و برادر کوچک‌ترم نیز با ضربه‌های کارد مجروح شده‌اند. سریع با اورژانس و پلیس تماس گرفتم. پدرم درحالی که به سختی نفس می‌کشید یکی از برادرانم به نام بهروز را به عنوان ضارب معرفی کرد. با کشف این سرنخ تحقیقات روی بهروز متمرکز شد. مرد جوان پس از دستگیری، از ماجرا اظهار بی‌اطلاعی کرد. کارآگاهان سپس به تن‌پیمایی از او پرداختند و با آثار درگیری بر روی بدنش و لکه‌های خون روی لباس روبه‌رو شدند. متهم که هیچ راهی برای فرار از بیان حقیقت نداشت لب به اعتراف گشود و گفت: مدتی بود عقد کرده و با فشارهای روحی و مالی بسیاری روبه‌رو بودم. هر کاری می‌کردم نمی‌توانستم از این فشارها رها شوم. به همین دلیل تصمیم به خودکشی گرفتم. برای این کار هم یک کارد تهیه کردم. قبل از خودکشی تصمیم به انتقام از اعضای خانواده گرفتم و صبح روز حادثه سراغ آنها رفتم. برادر ۲۵ساله‌ام که دانشجو بود در طبقه همکف زندگی می‌کرد. او وقتی کارد را در دستانم دید وحشت‌زده قصد فرار داشت که چند ضربه به بدنش وارد کردم. بعد به طبقه بالا رفته و پدر و مادرم را مجروح کردم. برای اینکه کسی به من مشکوک نشود لباس‌هایم را عوض کردم. لباس‌ها و کارد خونی را در یک کیسه گذاشته و چند خیابان پایین‌تر از محل جنایت رها کردم. بر اساس گزارش پزشکی قانونی متهم ۳۰ ضربه به بدن مادرش وارد کرده بود که باعث مرگ او در محل درگیری شده بود. پدر و برادرش نیز با ۱۱ و ۱۳ ضربه کارد مجروح شده بودند که پس از انتقال به بیمارستان جان باختند. اظهارات پدر خانواده قبل از مرگ و کشف لکه‌های خون روی لباس‌های متهم باعث شد راز این جنایت خیلی سریع فاش شود. در ادامه متهم به محل جنایت منتقل شد و در حضور بازپرس به بازسازی صحنه قتل پرداخت. از سوی دیگر پزشکان پزشکی قانونی نیز پس از معاینات تخصصی، سلامت روحی و روانی متهم را تایید کردند. با تکمیل تحقیقات، بازپرس پرونده برای بهروز به اتهام سه‌فقره قتل عمدی قرار مجرمیت صادر کرد که این قرار از سوی نماینده دادستان تایید شد. پرونده این جنایت برای محاکمه به دادگاه کیفری استان خراسان رضوی فرستاده شده است و پسر جنایتکار به‌زودی پای میز محاکمه قرار می‌گیرد.

مادر، پسر سارقش را به پلیس لو داد

● **شرق:** زنی که از رفتارهای فرزندش به ستوه آمده بود در تماس با پلیس او را به عنوان سارق معرفی کرد. سرگرد القاصی‌مهر رییس کلانتری ابوذر در این‌باره گفت: این سارق به جرم سرقت پول و لوازم منزل مادرش بازداشت و به پلیس آگاهی منتقل شد. این مقام انتظامی افزود: ماموران بعد از اینکه مطلع شدند به خانه‌ای دستبرد زده شده است بلافاصله به محل اعزام شدند و مشاهده کردند فردی با حالتی آشفته و سراسیمه با گونی بزرگی از خانه موردنظر بیرون دوید و در خیابان فرار کرد. القاصی‌مهر عنوان کرد: ماموران به محض دیدن این فرد به تعقیب او پرداختند و به وی دستور توقف دادند اما او بدون توجه به اخطار پلیس در تاریکی شب سعی داشت از محل دور شود. ماموران در نهایت با استفاده از سلاح موفق شدند متهم را دستگیر کنند. رییس کلانتری بیان کرد: در همین زمان زن میانسالی نزد ماموران رفت و گفت سارق، پسرش است که از مدتی قبل به مواد روانگردان معتاد شده است. این زن گفت دقایقی پیش زمانی که وارد منزل شد مشاهده کرد پسرش در حال جمع‌کردن تعدادی از لوازم منزل است و مبلغ دومیلیون‌تومان وجه نقد او را نیز به سرقت برده است. سرگرد القاصی‌مهر تصریح کرد: متهم در بازجویی‌ها عنوان کرد از آنجا که قادر به تامین هزینه اعتیاد خود نیست اقدام به سرقت کرده است.

هیات عمومی دیوانعالی کشور نظر داد

مراسم قسامه، رازگشای جنایت ۱۰ساله

شرق: هیات عمومی دیوانعالی کشور حکم قصاص مردی را که متهم است دوستش را به آتش کشیده و به قتل رسانده است نقض و انجام مراسم قسامه را به دادگاه توصیه کرد. به گزارش خبرنگار ما، پرونده این متهم که جواد نام دارد سال ۸۲ تشکیل شد. در آن زمان ماموران پلیس با تماس تلفنی شهروندی در جریان سوختگی شدید مردی جوان قرار گرفتند و احمد را پیدا و به بیمارستان منتقل کردند. احمد حین انتقال به بیمارستان به ماموران گفت: «جواد و اکبر روی من بنزین ریختند و من را سوزاندند آنها خیلی با من بد رفتار کردند.» احمد همین حرف‌ها را به پدر و مادرش نیز گفت و سه روز بعد در بیمارستان جان باخت. پلیس در ادامه تحقیقات خود اکبر را بازداشت کرد. این مرد گفت: من احمد را نکشتم و این حرفی که احمد گفته اشتباه است. این مرد گفت: من به اتفاق سه نفر دیگر از دوستانم به نام‌های سعید، سروش و مهران به پشت کارخانه‌ای در رباط‌کریم رفته بودیم. احمد هم با ما بود. قرار بود با هم مواد مصرف کنیم. وقتی به پشت دیوار کارخانه رسیدیم بچه‌ها پیاده شدند و من رفتم که دوری بزنم و برگردم. وقتی برگشتم دیدم سعید و سروش، احمد را در چاهی انداخته و سوزانده‌اند. می‌خواستم به احمد کمک کنم اما از آن دو نفر ترسیدم و بلافاصله از آنجا رفتم. شب که شد به محل برگشتم تا از حال احمد با خبر شوم اما او نبود. می‌خواستم به سعید و سروش بگویم که احمد از چاله بیرون آمده، فرار کرده و شما را لو داده است ولی سعید را پیدا نکردم و تصمیم گرفتم برگردم فردای آن روز هم بازداشت شدم. ماموران در ادامه مردی که سوختن احمد را به پلیس گزارش داده بود پیدا کردند. این مرد گفت: مغازه من با کارخانه فاصله زیادی دارد. کمی دورتر از مغازه مردی را دیدم که به‌شدت سوخته بود و اصلا نمی‌توانست حرکت کند. او عریان بود و به‌سختی می‌خواست خودش را به من برساند. جلو رفتم و پرسیدم چه شده گفت روی من بنزین ریختند و مرا سوزاندند بعد هم ماشینم و مدارکش را بردند. او اسم کسی را نیاورد فقط گفت سه مرد بودند که یکی از آنها لهجه داشت. وقتی پلیس در مورد گفته‌های این مرد با خانواده مقتول صحبت کرد متوجه شد احمد اصلا خودرویی نداشته است. یافته‌های پلیس نشان داد مقتول مردی معتاد به هرویین بود که چندین فقره سابقه نیز داشت. همچنین فاش شد او با اکبر اختلاف داشت. سوابق اکبر نشان می‌داد که او هشت‌مرتبه دستگیر شده است و به موادمخدر نیز اعتیاد دارد. بنابراین سه فرد دیگری که اکبر گفت روز حادثه همراه آنها بود، شناسایی و بازداشت شدند آنها منکر قتل شدند و گفتند با مقتول هیچ آشنایی‌ای نداشتند و اصلا نمی‌دانند چه اتفاقی افتاده است. پرونده با توجه به مدارک به‌دست‌آمده به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران مسوول رسیدگی به آن شد. اکبر در جلسه دادگاه اتهام قتل را رد کرد و گفت روز حادثه حتی در اطراف کارخانه هم نبود و آنچه در اعترافات اولیه گفته دروغ بود. متهم مدعی شد فرد دیگری که هم‌نام او است از دوستان مقتول بود و آنها با هم درگیری داشتند و شاید او قاتل باشد. باوجود انکارهای این فرد هیات قضات وارد شور شدند و رای بر قصاص صادر کردند. رای صادره از سوی دیوانعالی کشور نقض و دیوانعالی خواستار تحقیقات بیشتر شد. این‌بار نیز شعبه ۷۱ پرونده را بررسی و رای بر قصاص صادر کرد. وقتی پرونده دوباره به دیوانعالی کشور رفت، دیوانعالی رای صادره را نقض کرد و دلایل را برای محکومیت متهم کافی ندانست. این در حالی بود که شعبه ۷۱ دادگاه کیفری علاوه بر استناد بر اعترافات اولیه متهم اعلام کرد اکبر از افراد سابقه‌دار است که اهالی محل از دست او ناراحت بودند بنابراین بعید نیست او مرتکب قتل شده باشد. همچنین متهم برای جلب رضایت اولیای‌دم اقدام کرده و حاضر شده دیه هم بپردازد. اگر او واقعا قتلی مرتکب نشده بود چنین کاری نمی‌کرد و درصدد جلب رضایت ولی‌دم برنمی‌آمد. بنابراین با توجه به علم قاضی متهم به قصاص محکوم می‌شود. در همین حال متهم در لایحه اعتراضی خود نوشت به خاطر اینکه از سال ۸۲ بی‌گناه در زندان است تصمیم گرفت رضایت اولیای‌دم را جلب کند چون بیشتر از این تحمل زندان را ندارد. او همچنین گفت مقتول دشمنان زیادی داشت چراکه به مواد اعتیاد داشت و از افراد زیادی سرقت کرده بود و حتی خانواده خودش بارها علیه او پرونده تشکیل داده بودند. سرانجام هیات عمومی دیوانعالی کشور متشکل از ۵۰قاضی تشکیل جلسه داد و بعد از ساعت‌ها بحث و بررسی، مدارک را برای محکومیت اکبر کافی ندانست. قضات هیات عمومی به این نتیجه رسیدند که اگرچه مدارک علیه متهم کافی نیست اما چون دلایلی نیز وجود دارد که احتمال قتل توسط این متهم را مطرح می‌کند بنابراین نمی‌توان او را به‌طور کامل تبرئه کرد و باید مراسم قسامه برگزار شود. با توجه به این رای، پرونده برای برگزاری مراسم قسامه به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب اکبر بعد از ۱۰سال دوباره پای میز محاکمه می‌رود و در صورتی که اولیای‌دم نتوانند ۵۰ نفر مرد که فامیل نسبی با آنها دارند و حاضرند قسم بخورند احمد به دست اکبر کشته شده است به دادگاه معرفی کنند اکبر باید ۵۰ بار قسم بخورد که مرتکب قتل نشده و به این ترتیب آزاد شود.

شکایت از پزشک بعد از چندین عمل ناموفق زیبایی

این پزشک به پرداخت دیه به ۶ نفر محکوم شده و رسیدگی به پرونده شاکیان دیگر هنوز ادامه دارد

شرق: پزشکی که متهم است در جریان جراحی‌های زیبایی باعث نقص عضو مراجعان خود شده به پرداخت دیه محکوم شد. این حکم با شکایت شش‌نفر از مراجعه‌کنندگان به این پزشک صادر شده و این درحالی است که تعداد شاکیان وی به ۱۸ نفر رسیده است. شاکیان با مراجعه به مطب این پزشک که آگهی‌های زیادی از او در نشریات منتشر شده است، خواستار انجام جراحی زیبایی شدند اما بعد از عمل اول نتیجه‌ای نامطلوب گرفتند و پس از آن جراحی‌های دوم و سومی هم که این پزشک برایشان انجام داد، موثر واقع نشد و آنان اکنون با مراجعه به پزشکان دیگر روند درمان خود را از سرگرفته‌اند. یکی از این شاکیان به خبرنگار ما گفت: «من چهارسال پیش با توجه به تبلیغات گسترده‌ای که از این پزشک در یکی از روزنامه‌ها دیدم برای جراحی بینی به وی مراجعه کردم. پس از اولین جراحی، مشکلات ظاهری نداشتم و به نظر می‌رسید که عمل موفقی بود اما در داخل مجرای تنفسی بینی دچار مشکل و بعد از مدتی هم دچار چسبندگی مجرای تنفسی شدم. به همین دلیل بار دیگر نزد این پزشک رفتم. او به من گفت هرچند ریسک عمل دوم بیشتر از جراحی اول است اما اطمینان دارد با یک جراحی سرپایی وضع به حالت عادی باز گردد. من هم اطمینان کردم و برای دومین بار زیر تیغ رفتم اما باز هم نتیجه چیزی غیر از انتظار بود و پس از مدتی بینی من عفونت کرد و تغییر رنگ داد.» یکی دیگر از افرادی که در پی اعمال جراحی این پزشک دچار مشکل تنفسی و زیبایی شده است، توضیح داد: «پس از آنکه از این پزشک ناامید شدم به دکتر دیگری مراجعه کردم و او تشخیص نکروز حاد داد و گفت این عارضه به‌خاطر عمل‌های جراحی طولانی بالای ۹ ساعت اتفاق افتاده است.» یکی دیگر از بیماران این پزشک نیز گفت: «در حال حاضر وضع ما که فقط بینی‌مان را به تیغ این پزشک سپرده‌ایم بهتر از بیماران دیگر است. یکی از بیماران این پزشک را می‌شناسم که در حال حاضر پس از چند عمل جراحی بینی‌اش نه غضروف دارد و نه پوست و علاوه بر آن گونه‌هایش هم خراب شده است.» این شاکیان چند روز قبل با مراجعه به دادسرای جرایم پزشکی تهران و ملاقات با رییس دادسرا درخواست تسریع در روند رسیدگی به پرونده خود را داشتند. در حال حاضر برای شش‌نفر از شاکیان که با توجه به زمان عمل خود زودتر شکایت کرده‌اند احکامی مبنی بر پرداخت دیه صادر شده است. در بخشی از این حکم آمده است: «این پزشک به‌خاطر شش فقره ایراد صدمات بدنی غیرعمدی ناشی از عدم رعایت موازین علمی و فنی دادگاه با توجه به شکایت شاکی خصوصی و نظریه‌های کمیسیون پزشکی قانونی و کیفرخواست دادسرا و عدم حضور متهم در جلسه دادرسی، متهم به پرداخت از دودرصد تا ۲۲درصد دیه کامل به این شش شاکی محکوم شده است که تا دو سال پس از تاریخ وقوع جرم مهلت پرداخت دارد.»

یکی از شاکیان پرونده

برادرکشی در حمایت از مادر

شرق: جوانی که برادرش را به ضرب چاقو به قتل رسانده است با رضایت اولیای‌دم از مرگ نجات یافت و به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه رفت. به گزارش خبرنگار ما، اورژانس بیمارستانی در رباط‌کریم سوم آبان‌ماه یک سال قبل خبر از فوت جوانی داد که به ضرب چاقو زخمی شده بود خانواده این جوان که هاشم نام داشت، گفتند ضارب پسر کوچکشان شروین است. مادر مقتول در بازجویی‌ها گفت: هاشم و شروین به خاطر من دعوا کردند با هم گلاویز شدند هاشم می‌خواست شروین را بزند چاقو را از آشپزخانه برداشت و به سمت شروین حمله کرد در این درگیری نمی‌دانم چه شد که شروین او را زد و کشته شد. به این ترتیب شروین بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به قتل برادرش اعتراف کرد و گفت نمی‌خواست او را بکشد و اصلا متوجه این نشده که چطور ضربه بر بدن او وارد شده است. با این حال کیفرخواست علیه متهم صادر شد. با توجه به اینکه اولیای‌دم اعلام رضایت کرده بودند دادستان شاکی پرونده شد. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد بعد از اینکه صبوری نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد. و کیفرخواست را خواند، اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند. پدر و مادر قاتل و مقتول اعلام رضایت کردند. مادر این دو که در جریان حادثه بود، گفت: پسرم هاشم به خاطر نقص عضوی که داشت عصبی شده بود و نمی‌توانست به خوبی کار کند ما تازه برای او خواستگاری رفته بودیم و قرار بود مراسمی برگزار کنند و زندگی مشترکشان را شروع کنند. از آنجایی که پسرم سر کار نمی‌رفت داشت سر پول با من جروبحث می‌کرد من هم می‌گفتم حالا پول ندارم که بدهم خودمان بدهکار هستیم. در همین حین شروین رسید و گفت چرا این کار را می‌کنی چرا مادر را اذیت می‌کنی. من که دیدم شروین ناراحت شده سعی کردم آنها را آرام کنم به شروین گفتم به تو ربطی ندارد برو اتاق و دخالت نکن یکدفعه هاشم چاقویی که روی اپن آشپزخانه بود را برداشت و به سمت شروین حمله کرد شروین خواست چاقو را از او بگیرد پسرم چون از ناحیه دست هم مشکل داشت، نتوانست مقاومت کند من اصلا ندیدم ضربه چطور زده‌شد فقط دیدم که چاقو دست شروین است و هاشم هم به زمین افتاده است. سپس شروین در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: به خاطر کاری که کردم معذرت می‌خواهم اما باید توضیح دهم که اصلا متوجه نشدم چه شد. من حتی نفهمیدم ضربه چطور بر بدن او زده شد یکدفعه دیدم بدن برادرم شل شد و روی زمین افتاد. من داشتم سعی می‌کردم چاقو را از دستش بگیرم نمی‌دانم چه شد که به شکمش ضربه خورد. بعد از پایان دفاعیات متهم هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

عکس: شرق

راز جنایت در چهارشنبه‌سوری سر به مهر ماند

شرق: پرونده جوانی که چهارشنبه سوری پنج‌سال قبل با ضرب چاقو به قتل رسیده بود در حالی مورد رسیدگی قرار گرفت که هنوز قاتل او پیدا نشده است. به گزارش خبرنگار ما، این پرونده ۲۸ اسفند سال ۸۷ تشکیل شد و اولین برگ آن شکایتی بود که پدر حمید در پوشه قرار داد. این مرد به پلیس گفت: پسرم روز حادثه به اتفاق دو دوستش شاهین و پویان از خانه خارج شد او می‌خواست سریال ببیند اما آنها پیشنهاد دادند به مراسم چهارشنبه‌سوری بروند بعد از آن دیگر خبری از پسرم نداشتم تا اینکه خبر دادند او در بیمارستان جانش را از دست داده است و من حالا از دو دوستش شاهین و پویان شکایت دارم. با توجه به این شکایت هر دو جوان بازداشت شدند اما هیچکدام اتهام قتل را قبول نکردند. پویان در بازجویی‌ها گفت: من در این قتل نقشی نداشتم و اصلا ندیدم چه کسی مرتکب قتل شد. چهارشنبه‌سوری بود من و شاهین دنبال حمید رفتیم که با هم بیرون برویم و خوش بگذرانیم. چند کوچه پایین‌تر آتش‌بازی بود به آنجا رفتیم و کمی تفریح کردیم بعد حمید با یکی از بچه‌های آن کوچه دعوا کرد و او را کتک زد پسر بیچاره حرفی نزد چون زورش به حمید نرسید بعد از آن کوچه بیرون رفتیم خیابان‌ها خیلی شلوغ بودند حمید جلو یک پراید را گرفت چند نفر داخل آن بودند ما هم سوار شدیم خیابان خیلی شلوغ بود و دود آتش بود و چشم، چشم را نمی‌دید تا اینکه در خیابان اصلی حمید که سرش را از پنجره بیرون کرده بود با راننده جروبحث کرد راننده هم عصبانی شد و کنار زد و گفت پیاده شوید. نمی‌دانم چه کسی گاز اشک‌آور زد و درگیری بالا گرفت من که حالم خیلی بد شده بود و جایی را نمی‌دیدم نفهمیدم چه شد وقتی به خودم آمدم دیدم حمید غرق در خون گوشه‌ای افتاده است. بلافاصله به اتفاق پویان او را به بیمارستان بردیم که کمکش کنیم اگر ما زده بودیم که این کار را نمی‌کردیم. پلیس پویان را هم مورد بازجویی قرار داد اما گفته‌های او هم نتوانست در مشخص‌شدن قاتل کارساز باشد، شاهدان دیگر هم مورد بازجویی قرار گرفتند اما هیچ‌کدام نتوانسته بودند قاتل را شناسایی کنند و گاز اشک‌آور چشم همه آنها را اذیت کرده بود با توجه به اینکه قاتل بعد از گذشت پنج‌سال شناسایی نشد، روز گذشته دادستان در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری درخواست کرد که پرونده با درخواست دیه از بیت‌المال که از سوی اولیای‌دم درخواست شده است مورد رسیدگی قرار گیرد. پدر و مادر مقتول که درخواست کرده بودند از بیت‌المال دیه بگیرند، گفتند: ما به کسی مظنون نیستیم و شکایتی که از دو دوست پسرمان هم مطرح کرده بودیم به جایی نرسید و آنها بی‌گناه شناخته شدند. البته ما خواستار بررسی پرونده پسرمان هستیم و همچنان درخواست داریم که قاتل شناسایی شود. با توجه به گفته‌های اولیای‌دم و درخواست آنها هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

پنج قاره

۲۲کشته در درگیری نیروهای امنیتی و قاچاقچیان مکزیکی

● **واحد مرکزی خبر:** درگیری‌ها میان گروه‌های مسلح و نیروهای امنیتی مکزیک روز سه‌شنبه ۲۲کشته برجا گذاشت. این میزان تلفات از افزایش خشونت در مناطق جرم‌خیز غرب این کشور حکایت دارد. این درگیری‌ها پس از آن روی داد که تبهکاران مسلح، چندین خیابان اصلی را در ایالت میشواکان کبا، مسیر اتوبوس و دیگر وسایل نقلیه بستند. براساس اعلام وزارت کشور مکزیک در پی بروز درگیری میان پلیس و تبهکاران دو عضو نیروی پلیس فدرال و ۲۰ فرد مسلح کشته شدند.

بازداشت پسر نوجوان به جرم قتل پدر

● **پلیس‌خبر:** نوجوان ۱۷ساله‌ای به جرم کشتن پدر خود با چاقو در دادگاه «ماگیستریت» ژوهانسبورگ حاضر شد. سخنگوی پلیس «پلونومی ماکائو» گفت این نوجوان ۱۷ساله پدر ۴۵ساله خود را در منزل با ضربات متوالی چاقو از پای درآورد. او گفت متهم که ظاهرا مواد مخدر مصرف کرده بود با چاقو به قفسه سینه و کمر قربانی زد و او را کشت. این نوجوان که دیر وقت به خانه بازگشته بود پس از مواجه‌شدن با سوالات پدر خود، به وی حمله کرد. خواهر هشت‌ساله متهم که سعی کرده بود مداخله کند از ناحیه دست و گردن مجروح و به بیمارستان منتقل شد.

بازداشت مدیر هندی پس از مرگ ۲۳دانش‌آموز

● **یورونیوز:** دادگاهی در ایالت «بیهار» هند حکم بازداشت مدیر مدرسه ابتدایی را که در آن ۲۳دانش‌آموز بر اثر مصرف مواد غذایی آلوده جان خود را از دست داده بودند، صادر کرد. گزارش پلیس حاکی از آن است مصرف نوعی سم دفع آفات سبب مسمومیت و مرگ ۲۳کودک دانش‌آموز هندی شد. سازمان جهانی بهداشت نسبت به احتمال خطر مرگ ناشی از مسمومیت، پس از مصرف فرآورده‌هایی که به این نوع سم دفع آفت آلوده شده‌اند، هشدار جدی داده و از چهار سال قبل استفاده از این سم را ممنوع کرده بود.

عکس روز

شرق: رعایت‌نکردن اصول ایمنی هنگام تخریب دو ساختمان در خیابان بوستان سعدی، چهار کارگر را زیر آوار گرفتار کرد. ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران صبح دیروز در پی تماس کارگران یک ساختمان با سامانه ۱۲۵ و اعلام خبری مبنی بر ریزش دو ساختمان در حال تخریب، آتش‌نشانان را به محل اعلام شده در خیابان خوش اعزام کرد و مشخص شد چهار کارگر در حال تخریب ساختمان‌ها بودند که ناگهان بر اثر بی‌احتیاطی سقف طبقه دوم و اول یکی از ساختمان‌ها ریزش کرد و روی کارگران در طبقه همکف فروریخت. در این حادثه چهار کارگر زیر خاک و آوار گرفتار شده بودند که آتش‌نشانان ابتدا سه‌کارگر را سالم از زیر آوار خارج کردند و کارگر دیگر که تا قسمت گردن در زیر آوار گرفتار مانده بود نیز سرانجام زنده بیرون آورده شد.

عکس: مجتبی ملکی

ادامه از صفحه اول

شایسته کیست؟

● از این منظر، می‌توان مخالفت باراه‌اندازی «اتاق فکر»-به این معنا که به‌جای همه سازمان این اتاق و اعضای آن باید فکر کنند - را پذیرفت ولی «اتاق فکر» -به این معنا که به مدیرروش‌های نوآورانه مدیریتی را ارایه کرده و نیز در پی کشف روش‌هایی باشد که سازمان را به تفکر وادار کند - موافقم. اصولا وادارکردن انسان‌ها به انجام کارهای تکراری که نیاز به هیچ‌گونه تفکری ندارد، توهین به شخصیت انسانی آنهاست.

۴-مدیر نباید به‌جای همه کار کند

در وصف پرکاری بعضی از مدیران گفته می‌شود که «فلانی رختخواب خود را نیز به سازمان منتقل کرده و از زیادی کارها، شب‌ها در سازمان می‌خوابد و تازه به همه کارهایش نمی‌رسد» و شنونده و یا خواننده تفکر تحسین‌آمیزی نسبت به این مدیر خواهد داشت که چقدر پرتلاش و پرکار!! در حالی که باید گفت که فردی با این مشخصات اصلا مناسب مدیریت نیست. و از همین یک «پاراگراف» بالا معلوم است که این فرد، نه در سازمان اختیارات واگذار کرده است و نه تصمیم‌گیری را توزیع کرده است و نه، به متخصصان و کارشناسان سازمان اعتماد دارد. بلکه در دیدگاه این فرد، هیچ‌یک از افراد موجود سازمان قابلیت و توان انجام کارها را ندارد و بنابراین از ترس اینکه کار به دست افراد ناتوان خراب و ناقص نشود، یک‌تنه جور همه سازمان را می‌کشد و به‌جای همه کار می‌کند. راستی اگر بنا باشد برای احداث یک بیمارستان و یا یک جاده روستایی و... بالاترین مقام اجرایی کشور تصمیم‌گیری کند، در آن صورت دیگر مقامات محلی از قبیل استاندار و فرماندار و بخشدار و رییس اداره و خیل کارشناسان موجود در هریک از این ادارات احساس بیهودگی نخواهند کرد؟ اما مدیر ضمن آنکه نباید به‌جای همه کار کند و کار دیگران را انجام دهد، یک کار را باید خوب بلد باشد و همان کار را خوب انجام دهد. او باید مدیریت کند. او باید کاری را انجام دهد که دیگران نمی‌توانند انجام دهند و اگر انجام نشود، کل سازمان همانند یک موجود ناقص‌العقل، قدرت تشخیص مسیر درست و قدرت حرکت در مسیر درست را نخواهد داشت. او باید سازمان را هدفمند کند، فضای تفکر را برای تمام کارکنان سازمان ایجاد کند و برای فعالیت‌های فکری و نوآورانه، امنیت لازم را تامین کند و هزینه اشتباهات پرسنل را در جهت ارایه طرح‌های نوآورانه کاهش دهد و البته با ارایه مشوق‌های هدف‌دار، فضای نوآوری را در داخل سازمان تقویت کند و... البته باید تمام این کارها را با همکاری خود کارکنان انجام دهد. به میزانی که یک مدیر از کار خاص مدیریتی فاصله گرفته و کار دیگران را انجام می‌دهد، به همان میزان باید در تسلط او به اصول مدیریت تردید کرد.

۵-مدیر باید نوآور باشد

مدیر باید توجه داشته باشد که ایده‌هایش تنها برای زمانی محدود تازگی دارد و باعث اشتیاق دیگران خواهد شد و بنابراین باید همواره در سطح سازمان و برای رفع چالش‌های سازمان نوآوری داشته باشد. البته مقصود از نوآوری، نوآوری‌های مدیریتی است. اگر مدیری نوآوری نداشته باشد، انتظار نوآوری از سازمان تحت مدیریت خود، انتظاری عبث خواهد بود.

۶-مدیر باید چشم‌انداز مشترک ایجاد کند

برای حرکت سازمان باید چشم‌انداز مشترکی وجود داشته باشد. اگر چنین چشم‌انداز مشترکی که حاصل تعامل بین مدیریت و کارکنان است ایجاد شود، در آن صورت پتانسیل حرکت به سوی آن چشم‌انداز موجب تحرک همگانی در سطح سازمان خواهد شد و اگر این چشم‌انداز وجود نداشته باشد قطعا موجب بی‌تحرکی در سازمان شده و نبود حرکت در سازمان، آن را به یک کالبد بی‌روح تبدیل خواهد کرد.

۷-مدیر باید شخصیت کاریزماتیک داشته باشد

مدیر باید بتواند بر رفتار دیگران تاثیر داشته باشد بدون آنکه از قدرت سازمانی بهره بگیرد. در کشور ما و شاید در هیچ‌یک از کشورها، این روش متداول نیست که برای تعیین وزیر یا مدیر یک سازمان از کارکنان آن سازمان نظرخواهی کنند. درست هم نیست که مدیر یک دستگاه ملی مثل وزارتخانه و یا سازمان‌های بزرگی که منشأ اثر سراسری هستند، صرفا با نظرخواهی از یک جمع محدود کارکنان تعیین شود، اما در عین حال مدیری که برای یک دستگاه ملی تعیین می‌شود باید از نظر تخصصی، تجربی و شخصیتی در بین کارشناسان و متخصصان آن دستگاه مقبولیت داشته باشد و نباید صرفا با تکیه بر قدرت سازمانی و سلسله مراتبی، بر رفتار کارکنان خود تاثیر بگذارد. متاسفانه در چند سال گذشته این استاندارد، به غایت، نادیده گرفته شد و در بسیاری از موارد، مدیرانی که برای دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف تعیین، انتخاب و یا منصوب می‌شدند، صرفا با تکیه بر قدرت سلسله مراتبی سازمانی، توان تاثیر بر رفتار همکاران خود را دارا بودند. باز هم می‌توان بر این مشخصات افزود اما امید آنکه با تغییر فضا، در دولت جدید گوشی برای شنیدن مطالب تخصصی باشد.

بریده اخبار

- **رییس پلیس آگاهی استان زنجان با اشاره به دستگیری سارق حرفه‌ای داخل خودرو گفت: این متهم به ۲۸ فقره سرقت اعتراف کرد.**
- **دو مامور انتظامی استان آذربایجان‌غربی رشوه‌هفت‌میلیون‌و۸۱۰هزارریالی قاچاقچی موادمخدر را رد و او را دستگیر کردند.**
- **فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان از کشف هزاران برگه قمار فوتبال از یک منزل مسکونی خبرداد.**